



**Analysis Evaluation of the Impact of Penal Doctrines
on the Evolution of Prison Architecture with a look at the fiction
literature of the Pahavi era
(Case study: The Guest of these Gentlemen by Mahmoud Etemadzadeh)**

Behzad Razavi fard¹ **Ali Molabeigi²**

1. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: razavifard@atu.ac.ir
2. Corresponding Author: PHD Student, Criminal Law and Criminology/ Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran. Iran.
Email: Ali_molabeigi@atu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Prison literature can be seen as a collection of literature written by writers or poets because of being convicted of various crimes in prison. This type of literature can provide various information including the governments' policies in the field of prisons, the behavior of prison guards, the way prisoners live, the consequences of prisons, the architecture of this environment, etc. for researchers of other fields of science. Among these works, the book "Guest of these gentlemen" by Mahmoud Etemadzadeh, also known as Beh-azin, is one of the works that has devoted most of its attention to the field of prison architecture during the Pahlavi era. Through his observations in three prisons, he has been able to provide a lot of information about the private and public spaces of the prison. The findings of this research, based on the content analysis method, show that the private and public spaces of prisons are not based on the approach of rehabilitation and correction criminals, but only based on incapacitation and keeping them away from society.
Article history: Manuscript Received: 15 June 2024 Final revision received: 29 September 2024 Accepted: 20 February 2025 Published online: 5 March 2025	
Keywords: <i>prison architecture, prison literature, pahlavi era, guests of these gentlemen, personal and public spaces.</i>	

Cite this article: Razavi fard, Behzad & Molabeigi, Ali (2024). "Analysis Evaluation of the Impact of Penal Doctrines on the Evolution of Prison Architecture with a look at the fiction literature of the Pahavi era (Case study: The Guest of these Gentlemen by Mahmoud Etemadzadeh)", *Criminal Law and Criminology Studies*, 54 (2): 357-376,
DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2025.377435.1923>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2025.377435.1923>



تحلیل و ارزیابی تأثیر آموزه‌های کیفرشناختی بر تحول معماری زندان

با نگاهی بر ادبیات داستانی دوران پهلوی

«مطالعه موردی: مهمان این آقایان از محمود اعتمادزاده»

بهزاد رضوی فرد^۱ | علی مولاییگی^۲

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: razavifard@atu.ac.ir

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: Ali_molabeigi@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵ کلیدواژه‌ها: ادبیات زندان، فضاهای شخصی و عمومی معماری زندان، دوران پهلوی، مهمان این آقایان.	ادبیات زندان را می‌توان مجموعه‌ای از ادبیات دانست که توسط نویسندگان یا شاعران به سبب محکوم شدن به جرایم گوناگون در زندان نگاشته می‌شود. این نوع از ادبیات می‌تواند اطلاعات مختلفی همانند سیاست‌های دولت‌ها در حوزه زندان، شیوه برخورد زندانبان‌ها، نحوه زندگی زندانبانان، پیامدهای زندان، معماری این محیط و... را برای پژوهشگران علوم دیگر مهیا کند. در این بین، کتاب <i>مهمان این آقایان</i> از محمود اعتمادزاده، به‌آذین، از جمله آثاری است که بیشتر توجه خود را به حوزه معماری زندان در دوران پهلوی اختصاص داده است. او با بررسی مشاهده‌گر خود در سه زندان، توانسته اطلاعات متعددی از فضاهای شخصی و عمومی زندان ارائه کند. مطابق یافته‌های این پژوهش بر مبنای روش تحلیل محتوا مشخص می‌شود که فضاهای شخصی و عمومی زندان‌ها چندان مبتنی بر رویکرد بازپروری و اصلاح بزهکار نبوده و تنها مبتنی بر سلب توان بزهکاری و دور نگه داشتن آنها از جامعه استوار بوده است.

استناد: رضوی فرد، بهزاد؛ مولاییگی، علی (۱۴۰۳). تحلیل و ارزیابی تأثیر آموزه‌های کیفرشناختی بر تحول معماری زندان با نگاهی بر ادبیات داستانی دوران پهلوی «مطالعه موردی: مهمان این آقایان از محمود اعتمادزاده»، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۵۴ (۲)، ۳۵۷-۳۷۶.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2025.377435.1923>

© نویسندگان

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2025.377435.1923>

۱. مقدمه

مطالعه جرایم و ضمانت اجرای کیفری به‌تنهایی و بدون در نظر گرفتن خاستگاه و بستر تاریخی آنها امکان‌پذیر نیست. در روند تاریخی از حقوق کیفری، مجازات بیشتر تحت سلطه ترکیبی از مجازات اعدام و تنبیه بدنی بوده است و زندان‌ها آن‌طور که امروزه تصور می‌کنیم، وجود کاربردی نداشته است. در این دوران زندان‌ها تأسیسات محلی بودند که به‌عنوان مکان‌هایی برای حبس کوتاه‌مدت برای گروه وسیعی از اشخاصی که در انتظار محاکمه و یا مجازات بودند، در نظر گرفته می‌شده است. در واقع زندان در این دوران رویکرد مجازات‌محوری نداشته، بلکه بیشتر به این منظور طراحی شده بود که از حضور متهم در محاکمه و یا پرداخت جریمه توسط بزه‌کار اطمینان حاصل شود (Rubin & Deflem, 2019). به مرور زمان و به‌ویژه در عصر روشنگری با دیدگاه متفکرانی همانند بکاریا و هوارد، از یک سو موجب تغییر در نوع و کارکرد مجازات‌ها و از سوی دیگر تحول در معماری زندان و تبدیل شدن آن به‌عنوان مجازات اصلی با رویکرد اصلاح‌گرایانه شده است. بکاریا با استفاده از اندیشه سیاسی خود در خصوص حقوق انسان و حکومت، رساله‌ای در مخالفت با مجازات اعدام در سال ۱۷۶۴ نوشت. از مهم‌ترین استدلال‌های بکاریا در این زمینه آن است که مجازات اعدام عامل بازدارنده ناکارآمدی در برابر جرم است. از این‌رو مجازات ملایم‌تری همانند زندان که همیشه قابل اجرا باشد، بسیار مؤثرتر خواهد بود. در دهه بعد، جان هوارد، رساله‌ای را به نگارش در آورد که به نفع اصلاح و بهبود زندان‌ها بود. او در تماس‌های متعدد با زندان کانتی انگلستان با تأسیسات منجرکننده، غیربهداشتی و آلوده روبه‌رو شد که در آن بسیاری از زندانیان، بزه‌دیده آزار درون زندانی، گرسنه، کاملاً برهنه و بیمار بودند. در سال ۱۷۷۷، هوارد خواستار طراحی جدید، سالم و ایمن‌تری برای زندان‌هایی شد که زندانیان را بر اساس دسته‌بندی (جرم، جنسیت، بیماری و غیره) از هم جدا می‌کرد و توسط زندانبانان متخصص اداره می‌شد (Goodman et al., 2017: 76). چنین تلاش‌هایی زمینه‌ساز طراحی زندان‌های مدرن در خارج از حریم شهرها با دیوارهای بلند، دروازه‌های ورودی، پنجره‌های باریک و معماری باشکوه و ایجاد فضای سبز پیرامونی و دشوار کردن دسترسی مردم به زندان و زندانی شد (پرت، ۱۳۹۶: ۷۹).

در ایران هم تحول در نظام اجرای حبس بیش از دیگر کیفرها بوده است. در دوره پیشامدرن، این احتمال وجود داشت که هر مکانی کاربری زندان داشته باشد و به این سبب، از چاه‌ها، قلعه‌ها، خانه‌ها، باغ‌ها، گرمابه‌های متروک و نظایر اینها برای مجبوس کردن بزهکاران استفاده می‌شد، اما در دوره جدید، زندان یک مکان خاص با ساختار معین و دارای فضا و امکانات مشخص است (خزانی، ۱۳۹۷: ۱۳). از این‌رو در دوران مشروطه به‌منظور بهینه‌سازی نهاد زندان و شیوه اداره آن به استخدام مستشاران خارجی برای اصلاح نظمیه و زندان اقدام شد. از این‌رو وستدهلدر در سال ۱۲۹۲، پس از ورود به تهران به مدت سه ماه از هرگونه دخالتی در امور نظمیه خودداری کرد و تنها به گردش و مطالعه در خصوص موقعیت و وضع شهر پرداخت و پس از مدتی نظمیه تحت نظر سوئدی‌ها قرار گرفت (خزانی، ۱۴۰۰: ۲۹۶). با این حال، این اقدام‌ها تنها محدود به ایجاد آیین‌نامه‌های ارشادی در خصوص حقوق زندانیان و نحوه برخورد با آنان شد. در دوران پهلوی فشار افکار عمومی جهانی و دولت‌ها و سایر الزامات عصر جدید و البته تأکید رضاشاه و وزیر مقتدر او، علی‌اکبرخان داور، بر نوسازی دستگاه قضایی و انجام اصلاحات در آن، زمینه بهسازی زندان‌ها به‌ویژه از بُعد معماری را فراهم ساخت (زندیه، ۱۳۹۲: ۲۰۳). مطابق اسناد موجود، زندان‌سازی به سبک جدید از سال ۱۳۰۴ خورشیدی در ایران آغاز شد و همگام با این تحول قوانین مربوط به آن نیز تدوین شدند (رستمی و میرزایی، ۱۴۰۰: ۱۲۰-۱۲۱).

توجه به این اصلاحات، شیوه پیاده‌سازی و پیامدهای رویکرد نوین از نگاه ادبیات داستانی واقع‌گرا دور نمانده است. از این‌رو بسیاری از نویسندگان زندانی در سراسر جهان گزارش‌هایی نوشتند که

گذشته آنها را در زندان تفسیر کرده، شیوه بازجویی‌ها یا رنج‌هایی را که در این محیط تحمل کرده‌اند ضبط کرده و به‌عنوان شهادت تاریخی بیان کرده‌اند (Zim, 2014: 45). در ادبیات داستانی ایران نیز نویسندگان متعددی به‌ویژه در دوران حکومت پهلوی به مسئله زندان توجه کرده‌اند. از جمله این نویسندگان می‌توان به بزرگ علوی، علی دشتی، جلال آل‌احمد، علی‌محمد افغانی، علی‌اشرف درویشیان، محمود اعتمادزاده و احمد محمود اشاره نمود. اما در این بین بنا به دلایل متعددی مبنای بررسی خود را محمود اعتمادزاده و کتاب *مهمان/ این آقایان*^۱ قرار داده‌ایم. دلایل چنین انتخابی، نخست به‌آذین بر خلاف نویسندگان دیگر همزمان سه زندان قزل‌قلعه، موقت شهربانی و قصر را بررسی کرده است. این در حالی است که نویسندگان دیگر محدود به یک زندان و گاه حتی به شکل گذرا^۲ به این موضوع توجه کرده‌اند. دوم، به‌آذین از جمله نویسندگانی است که به مدت شش ماه در سه زندان گفته‌شده، زندانی بوده است. این در حالی است که برخی از این نویسندگان همانند جلال آل‌احمد سابقه زندانی شدن ندارد. سوم، توجه دقیق و ریزبین او به محیط پیرامونی، زمینه نمود یافتن شیوه معماری زندان‌های مذکور بوده است. چهارم این نویسنده تا حد امکان سعی کرده تا نگاه بی‌طرفانه در نقل مطالب داشته باشد. به‌آذین این موضوع را این‌گونه بیان می‌کند: «من نویسنده‌ام. کار من بیشتر دیدن است و شنیدن و تا آنجا که بتوانم نوشتن» (به‌آذین، ۱۳۵۷: ۱۲۰). آنچه این پژوهش را نوآور و بدیع می‌نماید، آن است که نگاه پژوهشگران پیشین بیشتر به حوزه جرم‌شناسی و ادبیات (رستمی و مولایی، ۱۳۹۷)، رویکردهایی از سیاست جنایی در ادبیات (درباز، ۱۴۰۰) و بزه‌دیده‌شناسی در ادبیات (رایجیان اصلی و مولایی، ۱۴۰۰) استوار بوده، و پژوهشگران از منظر روش تحلیل محتوا از یک سو به حوزه کیفرشناسی و ادبیات داستانی ایران توجهی نداشته‌اند و از سوی دیگر به مسئله معماری در ادبیات به شکل تخصصی به‌هیچ‌وجه مورد توجه نبوده است. از این‌رو در این پژوهش، در بخش نخست فضای شخصی زندان در دوران پهلوی و در بخش دوم، فضای عمومی زندان در این دوران بررسی و ارزیابی می‌شود.

۲. روش‌شناسی

گویا اولین مورد مستند استفاده از روش تحلیل محتوا برای نخستین بار به سده هجدهم برمی‌گردد. فردی سوئدی به نام دورینگ، مجاری را در خصوص ۹۰ سروده مذهبی از باب خطرناک بودن مضمون این اشعار با روش تحلیل محتوا شرح می‌دهد. در این بین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش پژوهشی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از راه فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵: ۶۹). پژوهش حاضر نیز

۱. محمود اعتمادزاده، به‌آذین (۱۲۹۳-۱۳۸۵)، نویسنده، مترجم و فعال سیاسی معاصر ایران بود. او فعالیت ادبی خود را از سال ۱۳۲۰ و با انتشار داستان‌های کوتاه آغاز کرد. شهرت وی از زمان سردبیری هفته‌نامه کتاب هفته و سپس ریاست کانون نویسندگان آغاز شد. مهم‌ترین آثارش رُمان دختر رعیت، مهره مار، شهر خدا، از آن سوی دیوار و... بوده که با موضوعات اجتماعی، انتقادی و با سبک واقع‌گرایانه به نگارش در آمده است. همچنین او به ترجمه آثار شکسپیر، بالزاک و... پرداخته است. به‌آذین خاطرات و تجاربش از زندان‌های دهه ۱۳۵۰ را در کتاب *مهمان/ این آقایان* (۱۳۵۷)، به رشته تحریر در آورد. به‌آذین به‌عنوان یکی از دبیران کانون در اعتراض به دستگیری فریدون تنکابنی، نویسنده کتاب *یادداشت‌های شهر شلوغ*، دستگیر و چهارماه که بیشتر آن با قرار بازداشت موقت و به‌عنوان متهم بوده، به‌ترتیب در زندان‌های قزل‌قلعه، شهربانی و قصر گذراند. او در این کتاب سعی دارد، تا با رویکرد مشاهده‌گر و واقع‌گرا مطالب را نقل نماید (میرعابدینی، ۱۴۰۰: ۴۳۸). از این‌رو نویسنده در کنار معماری و فضای زندان، مطالب مهمی در خصوص روند انتقال متهمان و محکومان به زندان و دادگاه، نحوه زندگی زندانیان در محیط زندان، ارتباط زندانیان با یکدیگر و زندانبان‌ها، تفاوت امکانات موجود در زندان‌های مختلف، شیوه ملاقات زندانیان و... را در ۲۱۹ صفحه ارائه می‌دهد. به‌آذین کتاب‌های دیگری نیز در حوزه زندان تحت عنوان *مهمان/ این برادران* و *بار دیگر و این بار...* دارد. او در این کتاب‌ها به خاطرات زندان خود در بعد انقلاب می‌پردازد.

۲. برای نمونه رک: (آل‌احمد، ۱۳۹۲: ۵۹-۶۷).

با روش تحلیل محتوای کیفی به بررسی معماری حاکم بر زندان‌های دوران پهلوی می‌پردازد. به این منظور ابتدا به شکل دقیق کتاب مهمان/این آقایان، به عنوان مبنای این پژوهش مورد خوانش قرار گرفت. آنگاه پیش از تحلیل محتوا با تأکید بر مطالب مرتبط با اهداف پژوهش، اطلاعات لازم فیش‌برداری الکترونیک شد. در مرحله بعد، نویسندگان به شکل دقیق تمامی اطلاعات آشکار و نهان موجود در این داده‌ها را بررسی و جزئیات لازم را یادداشت کردند و مشخص شد که می‌توان گزاره‌ها را در دو عنوان کلی «فضاهای شخصی زندان» و «فضاهای عمومی زندان» تحلیل و ارزیابی کرد. در گام بعد به کدگذاری و مقوله‌بندی موردی پرداخته شد. مراد از کدگذاری و مقوله‌بندی، ناظر بر مراحل بعد از گردآوری دقیق داده‌هاست و بر اساس مشابهت‌های میان متون برداشت‌شده از یک اثر صورت می‌گیرد و کدها مقوله‌های مهم در یک اثر را مشخص می‌کند (دانش‌ناری و عباسی مرویان، ۱۴۰۲: ۹۷). پژوهشگران بر مبنای کدها و مقوله‌های ایجادشده، به‌منظور تحلیل و ارزیابی به چهار مقوله فرعی، در فضای شخصی زندان رسیدند و در فضای عمومی زندان‌ها نیز به پنج مقوله فرعی نائل شدند.

۳. یافته‌ها

پس از انجام گام به گام روش‌شناسی مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی، مهم‌ترین یافته‌های پژوهش در دو بخش اصلی «نگاه سیاستگذاران دوران پهلوی به معماری زندان در فضای شخصی» و «نگاه سیاستگذاران دوران پهلوی به معماری زندان در فضای عمومی» بررسی شد. هریک از این دو بخش خود دارای زیرمجموعه‌های موردی و تحلیلی هستند.

۴. نگاه سیاستگذاران دوران پهلوی به معماری زندان در فضای شخصی

نحوه طراحی زندان‌ها به‌ویژه فضاهای شخصی و خوابگاهی در زندان، تأثیر فوق‌العاده‌ای بر نحوه تجربه کسانی که در آن محیط زندگی و یا کار می‌کنند، دارد. با این حال، با وجود تأثیر ویژگی‌های محیط فیزیکی بر نحوه تجربه زندگی شخص زندانی، پژوهشگران کمترین توجه را به آن داشته‌اند (Engstrom & Van Ginneken, 2022: 480). در این خصوص آنچه می‌تواند بسیار مهم باشد، آن است که آیا یک ساختمان می‌تواند دارای ارزش‌های غیرانسانی تلقی شود و یا اینکه آیا عامل اخلاقی می‌تواند در عملکرد معمار در معماری نیز تأثیرگذار باشد؟ بسیاری از آیین‌نامه‌های داخلی کشورها در این خصوص ساکت و محل انتقادند. این در حالی است که معماری زندان باید به‌عنوان محل تضاد بالقوه بین اخلاق حرفه‌ای و اجتماعی شناخته شود، زیرا از معماری می‌توان به‌عنوان وسیله‌ای برای به حداقل رساندن پیامدهای مضر حبس استفاده کرد (Moran et al., 2019: 72). بنابراین از جمله فضاهای زندان که از این حیث باید بررسی شود، فضای شخصی است. مراد از معماری فضای شخصی، شامل عناصر طراحی است که به فضاهای زندگی شخصی اشخاص زندانی (برای مثال سلول‌ها یا خوابگاه‌ها) مربوط می‌شود (Engstrom & Van Ginneken, ibid: 489). چنین فضایی می‌تواند بر مبنای معیارهای جدول زیر بررسی و ارزیابی شود.

ویژگی‌های معماری	زندان قزل‌قلعه ^۱	زندان شهربانی ^۲	زندان قصر ^۳
فضای فیزیکی و زیبایی‌شناختی	ندارد	فقدان اطلاعات	دارد
جذب نور، گرما و صدا	بسیار بالا	بسیار	متوسط
کیفیت هوا و تهویه	ندارد	ندارد	نسبی
حریم خصوصی	ضعیف	ضعیف	ضعیف

جدول ۱. فضای شخصی

۱.۴. فضای فیزیکی و زیبایی‌شناختی

بحث‌های گوناگونی در خصوص استاندارد فضا به‌منظور نگهداری زندانیان در کشورهای مختلف وجود دارد. برای مثال در اسناد وزارت دادگستری ایتالیا آمده است: «توجه به استاندارد ۹ متر مربع برای هر زندانی به اضافه ۵ متر مربع برای سایر اشخاص محاسبه می‌شود. همان استاندارد که در قابلیت سکونت خانه‌ها اعطا شده است». اما از نظرگاه عملی، این موضوع در زندان‌های ایتالیا و حتی دیگر کشورها چندان رعایت نمی‌شود. دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز در احکام خود به مؤلفه‌هایی اشاره دارد که توسط کمیتهٔ اروپایی پیشگیری از شکنجه شناسایی شده و اندازهٔ سلول انفرادی را ۷ متر مربع تعیین می‌کند (Fransson *et al.*, 2018: 104). امروزه کیفیت‌های زیبایی‌شناختی در طراحی محیط‌های زندان، مانند استفاده از رنگ، مواد و اشکال، در ادبیات دانشگاهی توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرده است. یکی از پژوهشگران، اخیراً در این خصوص چنین می‌گوید: «ویژگی‌هایی مانند جذابیت تسهیلات، نه تنها با تمایل شخص برای ماندن در آنجا مرتبط بوده، بلکه پیام‌های ضمنی در مورد اینکه چگونه یک زندان برای اشخاصی که بازداشت می‌شوند ارزش قائل بوده، ارسال می‌کند» (St. John, 2020: 4). محققان دریافتند که کمبود کلی رنگ در محیط‌های سازمانی می‌تواند تأثیر منفی بر رفاه داشته باشد، درحالی‌که ادغام رنگ و بافت مواد در طراحی می‌تواند به‌طور مثبت بر رفاه

۱. این زندان در شمال تهران و در ده امیرآباد واقع شده بود. این مکان ابتدا برای کاروانسرا ساخته و بعدها در دوران پهلوی تبدیل به زندان گردید. ردیف سلول‌های انفرادی این زندان ابتدا محل نگهداری اسب و قاطر مسافران بوده است. این زندان بیشتر برای زندانیان توده‌ای و بعدها برای زندانیان سیاسی و نظامی اختصاص داده شد. قزل‌قلعه از جمله زندان‌هایی بوده است که با تعمیرات اساسی به‌منظور مدرن‌سازی آن در دست ساواک به‌منظور شکنجه قرار داشته است. آن‌چه در این زندان بسیار وحشتناک بوده، رطوبت بی‌نهایت سلول‌هاست؛ به‌طوری‌که پس از چند روز پادرد و کمردرد شروع می‌شد و چون از کف تا طاق سلول‌ها خیس است، تنفس بسیار مشکل و بیماری تنگی نفس در این زندان شایع بوده است (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: ربیعی و راهرو خواجه، ۱۳۹۰: ۶۶). بنا به گفتهٔ به‌آذین او به مدت ۱۲ روز در این زندان بازداشت بوده است (به‌آذین، همان: ۱۸).

۲. اسم دیگر این زندان، زندان موقت بود. به ظاهر برای نگهداری متهمان ایجاد گردیده، ولی در عمل عدهٔ زیادی از محکومان را نیز در خود جای می‌داد. از بعد استحکام وضعیت این زندان چندان مناسب نبوده است. این موضوع عیناً از گزارش رئیس زندان نقل می‌شود: «زندان موقت شهربانی به مرور ایام با پر شدن چاه‌های فاضلاب در تمام سطح آن و چاه‌های دیگری که حفر کرده‌اند، خطرناک است. به‌طوری‌که کارشناسان بازدید نموده و اظهار عقیده کرده‌اند از یک طرف به‌علت مجوف شدن سطح آن خطر مسلم فرو نشستن دارد. از طرف دیگر به‌علت مجاورت چاه‌های مزبور با قنات آب شاه که مورد استفاده بیشتر مردم تهران است، سلامت عمومی در مخاطره است» (به نقل از: همان: ۵۶). به‌آذین مدت زندانی بودن خود در این زندان را به شکل دقیق بیان نکرده است. تنها تاریخ شروع آن را چنین بیان می‌کند: «آزاد شدن این‌همه معطلی ندارد. کجا می‌برندم، نگرانم. در سال‌نامه‌ام، در برابر روز پنجشنبه اول مرداد، می‌نویسم ظهر - انتقال از زندان قزل قلعه - به کجا؟» (به‌آذین، همان: ۶۴). اما با توجه به حجم مطالب، می‌توان چنین برداشت کرد که مدت آن نمی‌تواند چندان بیش از مدت زندان قبلی باشد.

۳. در دوران پهلوی اول به موازات اجرای تصمیم نوسازی و تغییر شیوهٔ ادارهٔ شهربانی و زیرمجموعه‌های آن، قصر قجر، یادگار دوران فتحعلی‌شاه در شمال تهران، برای بنای زندان تهران در نظر گرفته شد و ساختن آن در سال ۱۳۰۷ شمسی آغاز گردید. زندان مزبور دارای اتاق‌های متعدد و گنجایش هشتصد زندانی را داشت. باغ، حمام، مریض‌خانه، حیاط و کارگاه‌های حرفه‌آموزی از امکانات این زندان به‌حساب می‌آمد (مرادی‌نیا، ۱۳۹۷، ۳۹-۴۰). چنین امکاناتی بیشتر با رویکرد اصلاح‌گرایانه ایجاد گردیده است. رضاشاه در افتتاح این زندان به این موضوع چنین اشاره می‌دارد: «این محل دیگر محبس و دُستاق (بند و زنجیر) نیست، بلکه آموزشگاه انسان‌سازی است» (امین، ۱۳۸۶: ۵۴۶). به‌آذین بیشتر مدت زندان چهارماه خود را در این زندان گذرانده است (به‌آذین، همان: ۲۱۹).

تأثیر بگذارد (Hancock & Jewkes, 2011: 615). بر همین اساس، برخی از اشخاص زندانی ممکن است علاقه‌مند به مالکیت بیشتر بر کیفیت‌های زیبایی‌شناختی فضای شخصی خود باشند. برای مثال اگر فرصت و اجازه داده شود، دیوارهای سلول داخلی خود را با یک لایه رنگ جدید تازه کنند. تغییر فضا می‌تواند از رفاه فردی حمایت کند. برخی از نظام‌های زندان در شمال غربی اروپا، همانند نروژ، توجه بیشتری را به کیفیت‌های زیبایی‌شناختی فضای زندان اختصاص داده‌اند (Jewkes & Moran, 2017: 550)، زیرا این موضوع می‌تواند فضای شخصی زندان‌ها را به گونه‌ای کند که اشخاص احساس مردم بودن به جای زندانی بودن داشته باشند.

مطابق گفتار به‌آذین، سلول انفرادی که در زندان قزل‌قلعه او را در آن نگهداری می‌کردند، از بُعد معماری دارای یک راهرو طویل بوده که در دو طرف آن، سلول‌های انفرادی قرار داشتند: «زیر طاق دوگانه بند سقف ضربی، سلول‌های دوسوی دهلز و سقف بلند سرتاسری دیگری که هر دو ردیف سلول‌ها را زیر بغل گرفته می‌فشارد» (به‌آذین، همان: ۲۲). نویسنده از بُعد فضای داخلی سلول‌ها، فضا را بسیار کوچک عنوان می‌کند: «یک چهاردیواری تنگ، کمتر از دو متر در دو متر، که نیمی از آن را سکویی به بلندی یک متر گرفته است...» (همان: ۹). همچنین طراحان زندان از بُعد زیبایی‌شناختی توجه چندانی به سلول و امکانات آن نداشته‌اند. نویسنده این موضوع را این گونه یادآور می‌شود: «هوا گرم است. نیم‌تنه و شلوارم را درمی‌آورم. اما دریغ از یک میخ. آه چرا. تکه چوب نازک و له‌شده‌ای به دیوار سمت چپ فرو کرده‌اند» (همان: ۱۲). به‌آذین اطلاعات چندانی در خصوص فضای داخلی سلول‌ها در زندان شهربانی و کیفیت زیبایی‌شناختی آن ارائه نداده است. با این حال به نظر می‌رسد، با توجه به ازدحام جمعیت در این زندان، فضا برای هر زندانی چندان فراخ نباشد (همان: ۷۱).

به‌آذین در زندان قصر نیز به دلیل ازدحام جمعیت، فضای چندانی برای زندانیان متصور نیست: «اینک از هیچ سو گشایشی نیست. تنه‌است و جدا. زندان تنگ بود، تنگ‌تر شده است» (همان: ۱۹۱). با وجود تنگی فضا، از بُعد معماری و میزان امکانات، زندان قصر نسبت به دو زندان دیگر بسیار پیشرفته‌تر است: «ما را به اتاق روی هم کوچکی می‌برند با دیوارهای قطور و دو پنجره بلند که به حیاط باز می‌شود. ظاهری آراسته دارد. قالیچه‌های تازه و پاکیزه بر کف آن گسترده و پرده‌های کدری گلدار از برابر درگاهی‌ها آویخته. بر دیوارها، به بلندی قد آدمی، یکی دو قفسه‌بندی ساده برای کتاب و نیز تخته‌بندی تقریباً سرتاسری که جعبه‌های کفش و جامه‌دان‌ها بالای آن نهاده، پیژامه و لباس و... نگاه می‌کنم و اثر خوشایندی بر من می‌گذارد» (همان: ۱۸۱-۱۸۲). همین توجه نسبی به امکانات اولیه زندگی و زیبایی‌شناختی، امید به زندگی و آینده را در زندانیان بیشتر کرده است. به نظر می‌رسد طراحان معمار زندان قصر، بر مبنای آن که ابتدا تنها شماره ۴ زندان را به منظور زندانیان سیاسی در نظر گرفته بودند، فضای اتاق‌های موجود در آن را نسبت به شماره‌های دیگر بزرگ‌تر در نظر می‌گیرند: «سرگرد از معتمدیان پرسیده است: آیا میل نداریم به شماره چهار منتقل شویم؟ آنجا فضایش چند برابر وسیع‌تر و زندانی در آن دو بار کمتر...» (همان: ۱۶۶). بنابراین به شکل کلی زندان قصر نسبت به دو زندان دیگر، با توجه به نوع زندانیان و رویکرد اصلاح‌گرایانه ظاهری حاکم بر آن دارای فضای بازتر و زیباتری است.

۲.۴. جذب نور، گرما و صدای محیط

نورپردازی، سطوح نور طبیعی و مصنوعی، به‌ویژه قرار گرفتن در معرض نور روز، ویژگی‌های محیطی مهمی‌اند که بر سلامت روانی تأثیر می‌گذارند. برای مثال تاریکی ناکافی برای خواب، مسئله‌ای رایج برای اشخاص زندانی است که می‌تواند به پیامدهای منفی منجر شود. نور ضعیف ممکن است بر روابط بین کارکنان و افراد زندانی تأثیر منفی بگذارد. همچنین بسیاری از محققان اهمیت نور طبیعی

را در محل زندگی و بر رفاه شناسایی کرده‌اند (Wener, 2012: 35). رفاه را می‌توان با بهبود نور در یک فضا از طریق شدت، کیفیت، جهت، تغییرپذیری و کنترل منابع نور افزایش داد. برخی پژوهشگران بر اهمیت داشتن درجه‌ای از کنترل بر منابع نور در محیط تأکید می‌کنند، زیرا می‌تواند به افزایش راحتی بصری کمک کند. علاوه بر نور، پژوهش‌های پیشین در زمینه روانشناسی محیطی، به صداهای پیش‌بینی‌ناپذیر، متناوب و کنترل‌نشده نیز اشاره کرده و آنها را موجب ایجاد استرس و تأثیر منفی بر بهزیستی انسان‌ها به شکل قابل توجه دانسته‌اند (Figueiro et al., 2011: 211). قرار گرفتن در معرض بالای سروصدا در محیط‌های زندان نیز ممکن است بر روابط بین کارکنان و اشخاص زندانی تأثیر منفی بگذارد. این موضوع می‌تواند به افزایش بیماری‌هایی همانند فشار خون بالا، اختلالات عروقی و آسم منجر شود (Beijersbergen et al., 2016: 849). جالب‌تر آنجاست که اگر اشخاص زندانی باور داشته باشند، درجاتی از کنترل بر محیط را دارند، می‌توان پیامدهای منفی سروصدا را کاهش داد. همچنین متأسفانه، صداگیر ساختمان‌های زندان به‌طور معمول برای برنامه‌ریزان ساختمان اولویت بالایی ندارد و این موضوع زمینه‌ساز افزایش صدای محیط می‌شود (Wener, Ibid:40). از جمله مسائل دیگری که در معماری، به‌ویژه زندان حائز اهمیت بوده، توجه به دمای محیط است. کنترل دما، یک نیاز اساسی محیطی در هر فضای زندگی شخصی است. آسایش حرارتی یکی از عوامل اصلی مؤثر بر رضایت عمومی از محیط‌های داخلی است (Frontczak & Wargocki, 2011: 925). بسیاری از زندان‌ها با مصالحی مانند آجر، سنگ و بتن ساخته می‌شوند که همگی در طول روز گرما را جمع‌آوری کرده و در شب آن را ساطع می‌کنند. چنین محیط‌های زمینه‌ساز افزایش سوءرفتارهای خشونت‌آمیز را موجب می‌شود.

زندان قزل‌قلعه از بُعد ساخت به‌گونه‌ای بوده که گرما را جذب می‌کرده است. نویسنده شدت گرما را این‌گونه تشریح می‌کند: «آفتاب به میله‌های روزن می‌زند و غافلگیر پیش می‌آید. اینک تابش سقف و دیوار گچی. سلول کوره تافته است» (به‌آذین، همان: ۳۵). در چنین شرایطی حتی سلول‌ها فاقد وسایلی هستند که از بعد تعدیل گرما کمک‌رسان باشند. این در حالی است که زندانبان‌ها چنین امکاناتی را در اختیار دارند: «در دهلیز کسی دیده نمی‌شود. لیوان به دست می‌روم، بر سکوی سرگروه‌بان. غرچ و غورچ آهن‌پاره‌های گردان بادبزنی برقی کهنه در کار است» (همان: ۲۲). از بُعد نورپردازی نیز سلول وضعیت مناسبی نداشته و درون سلول چراغی تحت کنترل زندانی وجود ندارد: «چراغ بالای در سلول بی‌شرمانه نورافشانی می‌کند» (همان). همچنین از بُعد صدای محیط نیز به‌دلیل مواد استفاده‌شده به‌راحتی صداها قابل شنیدن است: «همهمه رفت‌وآمد سربازها، صدای به هم خوردن کفگیر و دیگ سرباز دراز قد رشتی» (همان: ۲۱-۲۲).

نویسنده در دو زندان دیگر، کمتر به این موضوع توجه کرده است. با این حال، در زندان قصر به‌دلیل استفاده از ابزار سنتی^۱ در معماری شاهد گرمای طاقت‌فرسا هستیم. نتیجه این موضوع آن است که بخش اعظم زندانیان در حیاط خوابیده‌اند و حتی پنکه سقفی نیز کفاف گرمای ایجادشده را نمی‌دهد: «گرداگرد حوض و دستشوئی، در راهرو کنار دیوارها، زیلو و پتو پهن کرده و رختخواب انداخته‌اند. اما باز برای همه صد و چهل تن زندانی جا نیست. گروهی در اتاق‌ها می‌خوابند که بی‌شک می‌باید گرم و خفه باشد. گرچه بادبزنی‌های سقفی شب و روز کار می‌کنند» (همان: ۱۰۱). بنابراین همان‌طور که در هر سه زندان دیده می‌شود، توجه چندانی به استفاده از ابزار و وسایل نوین در ساخت‌وساز صورت نگرفته و این موضوع از یک‌سو زمینه‌ساز شدت گرما و افزایش صدا را فراهم کرده و از سوی دیگر موجب افزایش خشونت میان زندانیان شده است.

۱. در هر سه زندان این موضوع دیده می‌شود: میله آهنی (ص ۹)، گچ دیوار به شکل ضخیم (ص ۱۰ و ۲۴). روشویی سیمانی (ص ۱۲)، در آهنی حیاط (ص ۲۷). پنجره‌ها و در حمام آهنی و پوشیده (ص ۵۲)، دیوارهای قطور (ص ۱۸۱) و

۳.۴. کیفیت هوا و تهویه مناسب

تهویه و هوای تازه می‌تواند در نتیجه طراحی مناسب معماری ساختمان باشد. سیستم‌های تهویه ناکافی سبب ناراحتی‌های فیزیکی در فضاهای داخلی می‌شود. سیستم مکانیکی، اندازه، طراحی و مواد مورد استفاده در یک فضا همگی می‌توانند بر میزان تهویه و هوای تازه در یک محیط تأثیر بگذارند (Karthaus et al., 2017: 110). خواص شیمیایی مصالح ساختمانی و یا قرار گرفتن در معرض دود سیگار در برخی محیط‌های زندان نیز می‌تواند سطوح مواد سمی را افزایش دهند و بر کیفیت هوا تأثیر منفی بگذارند (Ryan et al., 2020: 972). علاوه بر این موضوع، ناتوانی در رعایت فاصله اجتماعی در محیط‌های زندان، تهویه ضعیف و جریان هوای محدود می‌تواند به‌طور شایان توجهی مسائل بهداشتی را کاهش دهند و بیماری‌هایی همانند تنفسی را در میان جمعیت‌های زندانی تشدید کنند.

رویکرد اداره‌کنندگان زندان قزل‌قلعه محدود کردن ارتباط زندانیان بوده و به این منظور پنجره‌ها را به‌وسیله میله‌ها و صفحه‌های آهنی، مسدود می‌کردند: «بلند می‌شوم سرم را در فرورفتگی دیوار روزن پیش می‌برم، میله‌های روزن با شیبی رو به بالا کار گذاشته شده‌اند» (به‌آذین، همان: ۱۳). نتیجه این شیوه معماری، آن است که تهویه مناسب هوا در سلول‌ها رخ نمی‌داده است. به‌آذین این موضوع را چنین بیان می‌کند: «هوا گرم است و مانده. عرق می‌ریزم» (همان: ۱۰). چنین کیفیت هوایی، با وجود محرک‌های دیگر زمینه‌ساز بیماری‌های تنفسی را فراهم خواهد کرد: «شلوار را آویزان می‌کنم. نیم‌تنه دو بار سر می‌خورد و می‌افتد. خاکش را پاک می‌کنم...» (همان: ۲۰). چنین شرایطی نویسنده را مجبور به کندن بخشی از آهن چسبیده به پنجره نموده تا به هوای تازه دسترسی داشته باشد: «دم روزن می‌ایستم و سرم را به درون می‌برم. از لای میله‌ها نسیم پاکی به درون می‌آید» (همان: ۱۵). دو زندان دیگر از بُعد معماری و فضا به‌گونه‌ای بوده، که دسترسی به هوای آزاد با توجه به بالکن‌های موجود (زندان شهربانی) و طبیعت موجود (زندان قصر) بیشتر از زندان پیشین است. برای مثال نویسنده این موضوع را در زندان شهربانی با نگاه مقایسه‌ای این‌گونه بیان می‌کند: «به دستشویی می‌روم، راهم از بالکن است. هوای پاکیزه خنک و چند نفس عمیق... در ذهنم، تاریکی و نم و هوای دم‌کرده سلول قزل‌قلعه دورتر خزیده است» (همان: ۸۰).

۴.۴. توجه به حریم خصوصی

ازدحام در زندان‌ها بر تمامی شرایط حبس و پیامدهای مورد انتظار آن تأثیر منفی می‌گذارد. یکی از این پیامدهای منفی محدود شدن فضای زندگی و از دست دادن حریم خصوصی است. این مسئله به نوبه خود بر اعتبار نظام زندان‌ها و اعتماد زندانیان تأثیر مستقیم به‌جا می‌گذارد (یورگ آبرشت، ۱۳۹۵: ۵۷). معماری زندان‌ها، به‌ویژه سلول‌ها می‌تواند از یک‌سو به‌منظور بازتوانی حس خودباوری زندانی و از سوی دیگر بازیابی مشروعیت نظام زندان‌ها کمک کند. از این‌رو استفاده از برخی مواد، نحوه طراحی در سلول، یا وجود یک تقسیم‌کننده برای پنهان کردن سرویس بهداشتی، می‌تواند بر حریم خصوصی ساکنان تأثیر بگذارد (Toews, 2016: 220). نکته مهم این است که همه اشخاص زندانی به شیوه‌ای مشابه اسکان داده نمی‌شوند، بنابراین ضروری است که طرح‌های حفظ حریم خصوصی مختص سلول‌ها و خوابگاه‌ها در نظر گرفته شود. خوابگاه‌های باز در مقایسه با سلول‌های تک و دو سلولی به‌طور قابل توجهی رتبه‌های منفی محیطی مرتبط با ازدحام ادراک‌شده، فقدان حریم خصوصی و میزان شکایت از بیماری‌های بیشتر را دریافت کرده‌اند (Engstrom et al., Ibid: 492). پیاده‌سازی اتاقک‌ها در خوابگاه‌های باز می‌تواند طراحی مقرون به صرفه‌ای ارائه کند تا پیامدهای منفی شلوغی رایج در خوابگاه‌های باز را خنثی و یا حتی از بین ببرد.

معماری زندان پهلوی به گونه‌ای است که بی‌توجهی به حریم خصوصی در آن پررنگ است. به‌آذین زندان انفرادی قزل‌قلعه را این‌گونه تشریح می‌کند: «بالتر از چفت، سوراخ گردی در وسط در، برای چشم کنجکاو نگهبان» (به‌آذین، همان: ۸). نویسنده امکان بستن در به اختیار خود زندانیان را قابل انجام ندانسته و به‌نوعی درب از بیرون قفل می‌شده است: «امر بر خرید می‌آید. می‌گویم یک شیشه شیر برایم بگیرد... خوشبختانه در را می‌بندد» (همان: ۲۲). این فقدان حریم خصوصی حتی در حمام نیز قابل رؤیت است: «لخت می‌شوم. مادرزاد خوشبختانه رو به بیرون شیشه‌ها گرد گرفته و تار است و آن یکی دو شیشه شکسته هم منفذ بزرگی ندارد. به هر حال اگر هم چشم کنجکاو باشد، پروایی ندارم» (همان: ۵۳).

در زندان شهربانی به سبب نزدیکی با دیگر زندانیان، حریم خصوصی علاوه بر زندانبان‌ها، گاه توسط زندانیان نیز با لطمه روبه‌رو می‌شده است: «پیرمرد، همان‌جا که نشسته است، پهلوی بر زیلو می‌نهد و به خواب می‌رود. سمنانی در گوش من زمزمه می‌کند: پدرسوخته هر چی ببینه یا بشنوه میره گزارش می‌ده» (همان: ۸۶). در زندان قصر نیز حریم خصوصی چندان معنا ندارد، زیرا شیوه معماری زندان قصر به گونه‌ای است که دسترسی سریع به اتاق‌ها برای زندانبان‌ها فراهم بوده است: «این جاسوس‌ها بیشترشان زیر هشتی هستند. با تعجب می‌پرسم زیر هشتی؟ -ها دیگر می‌دانید پیش از آنکه شما از در آهنی بگذرید و وارد بند بشید، یک محوطه است با چند تا اتاق برای افسر نگهبان و سرپاسبان و این جور چیزها. آنجا زیر هشته کسی که بخواهد خبری بده یا بند و بستی بکنه، میره آنجا» (همان: ۱۰۹). یا در جای دیگر: «من در مقدمه‌چینی هستم و هنوز حتی نامی از نیما نبرده‌ام که افسر نگهبان را دست به کمر زده و پاها از هم گشاده در آستانه در می‌بینم» (همان: ۱۵۸). گستردگی این موضوع به حدی است که به‌آذین امکان هیچ‌گونه خلوت یا حریم خصوصی برای خود متصور نیست: «زندان زندگی سالمی ندارد. هر جا باشی، چشم‌ها بر تو دوخته است. گوش‌ها در کمین تو است» (همان: ۱۹۰).

۵. نگاه سیاستگذاران دوران پهلوی به معماری زندان در فضای عمومی

در حوزه معماری زندان، علاوه بر فضاهای شخصی، دسته دومی از فضاها نیز وجود داشته که می‌توان آن را تحت عنوان فضاهای عمومی بیان کرد. این فضا، شامل حوزه‌های معماری در زندان است که می‌تواند بر رفاه کارکنان و کل جمعیت زندان تأثیر بگذارد. برای مثال اگرچه طبیعت می‌تواند حوزه‌ای در فضای زندگی شخصی باشد، اما بیشتر مراکز اصلاحی ممکن است فضای سبز را در فضاهای بیرونی و مشترک تدارک ببینند. از این‌رو در این بخش، تحت پنج گفتار به مهم‌ترین این فضاها پرداخته و جایگاه آنها را در معماری زندان دوران پهلوی با نگاه بر «مهمان این آقایان» بررسی خواهیم کرد.

ویژگی‌های معماری		قزل‌قلعه	شهربانی	قصر
سن ساختمان	فضای	بیشتر قدیمی	کاملاً نوساز	کاملاً نوساز
ورزش و تربیت	محیط ورزشی دارد/ تربیتی ندارد	محیط ورزشی دارد/ تربیتی ندارد	محیط ورزشی ندارد/ تربیتی دارد	محیط ورزشی و تربیتی دارد
تغذیه و سلامت	محیط مناسب ندارد	محیط مناسب ندارد	محیط مناسب ندارد	محیط نسبتاً مناسب است
فضای ملاقات	بررسی نشده	نامناسب	نامناسب نسبی	نامناسب نسبی
فضای طبیعی	چندان نیست	توجه نسبی	مناسب	مناسب

جدول ۲. فضای عمومی

۵. ۱. توجه به سن فضای ساختمانی

هنوز به شکل دقیق مشخص نیست که سن ساختمان‌های زندان چگونه بر ساکنان آن تأثیر می‌گذارد. بحث دربارهٔ اینکه آیا زندان‌های جدیدتر شرایط بهتر یا بدتری از زندان‌های قدیمی دارند، پابرجاست (Beijersbergen *et al.*, Ibid: 849). پژوهش‌های انجام‌شده در بریتانیا نشان‌دهندهٔ آن است که زندان‌های عمومی قدیمی‌تر، ممکن است تعاملات منفی بیشتری بین کارکنان و زندانیان نسبت به زندان‌های خصوصی جدیدتر گزارش کنند. جونز^۱ (۲۰۱۶) هنگام ارزیابی عملکرد زندان در انگلستان و ولز به نتایج متفاوتی دست یافت. او دریافت که زندان‌های قدیمی (ساخته‌شده قبل از ۱۹۳۸) و زندان‌های جدیدتر (ساخته‌شده پس از ۱۹۷۸) امتیاز بسیار بالاتری در زمینهٔ ایمنی، احترام و اسکان مجدد، نسبت به زندان‌های میانسالی (ساخت بین ۱۹۳۹-۱۹۷۷) داشتند. همچنین برخی پژوهشگران دریافتند که همیشه زندان‌های ساخته‌شدهٔ جدید، به معنای بهتر بودن از منظر محیط‌های اصلاحی نیست (Hancock & Jewkes, Ibid: 619). با این حال، آنچه کتمان‌نشده است، تأثیرگذاری معماری‌های مدرن و یا سنتی بر چیدمان نور، حرارت مناسب، میزان سروصدا و... است. بسیاری از زندان‌هایی که امروزه فعال‌اند، در سده‌های نوزدهم و بیستم ساخته شده‌اند یا از نقشه‌های ساختمانی مربوط به این دوران استفاده می‌کنند و این طرح‌ها برای اسکان جمعیت‌های سالخورده و دارای شرایط خاص مناسب نیستند. برخی پژوهش‌ها در بریتانیا نشان‌دهندهٔ طرح‌های نامناسبی از طرح‌بندی زندان بوده که در دسترسی کاربران به ویلچر، دوش‌ها و آسانسورها محدودیت ایجاد می‌کند و انتخاب اتاق نامناسب اشخاص سالمند در طبقات بالاتر زندان را نشان می‌دهد (Williams, 2012: 479).

از بُعد بررسی مقایسه‌ای زندان قزل‌قلعه با وجود حرکت به سمت نوسازی، قدیمی‌تر نسبت به دو زندان دیگر است. نویسندهٔ این موضوع را این‌گونه یادآور می‌شود: «گوشهٔ شرقی محوطه، ساختمان تازه‌ساز کوچکی بود، یک طبقه با حیاط جداگانه، مرا بردند و در سرسرای ساختمان نگه داشتند» (به‌آذین، همان: ۸). این رویکرد بهسازی نسبت به کل زندان قزل‌قلعه نبوده و حالت موردی داشته است. به‌آذین در جای دیگر چنین بیان می‌کند: «به محوطهٔ بزرگ آمدم. دیوارهای گلی بلند در فاصله صدمتری، سمت راست ما بود، با برج دیدبانی... از دروازهٔ قلعه گذشتیم، خیابان خاکی، پُرسنگریزه...» (همان: ۹).

زندان موقت شهربانی، بر خلاف معماری زندان قزل‌قلعه که رویکرد ضلع‌محور داشته، حالت دایره‌وار، مدرن و در چهار طبقه بوده است: «حیاطی دایره‌وار با حوض گرد کاشی فرش در وسط و از همه سو ساختمانی چهار طبقه که هر طبقه‌اش بالکنی گرد رو به حیاط دارد. معجری آهنی از بالا تا پایین جلو بالکن‌ها را گرفته است» (همان: ۷۱). آنچه با وجود نوساز بودن زندان، از بُعد معماری نمرهٔ قابل قبول به این زندان نمی‌دهد، فقدان توجه به سالمندان و بزهکاران با شرایط خاص است. به‌آذین با وجود میانسالی و آسیب‌دیدگی دستش توسط کارکنان زندان در طبقهٔ سوم اسکان داده می‌شود: «اتاق‌هایی که به بالکون باز می‌شوند، همه پرنده. به طبقهٔ سوم می‌رویم، باز همان ازدحام در اتاق‌ها» (همان: ۷۱).

در میان زندان‌های دوران پهلوی، زندان قصر نوسازتر است و از بُعد نظری بیشتر رویکرد بازپروری بزهکاران دارد. این موضوع را به‌آذین این‌گونه بیان می‌کند: «فضای پهناور زندان قصر -اوه ببخشید ندامتگاه- با ساختمان‌های بزرگ و کوچک و تازه و کهنه‌ای که در آن پراکنده است» (همان: ۹۴). یا در جای دیگر باز تأکید بر بازپروری این محیط دارد: «جناب سروان مرا از تبعید آورده‌اند اینجا برای معالجه. شمارهٔ سه محیطش جنجالی است. خواهش دارم ما را ببرند شماره چهار. جناب سروان

اعتنا نمی‌کند» (همان: ۹۵). اما همان‌طور که از گفتار انتهای نویسنده برمی‌آید، رویکرد عملی زندانبان‌ها چندان مبتنی بر آن نبوده و بیشتر سعی در صرف نگهداری و سلب توان بزهکاری است.

۵.۲. توجه به ورزش و تربیت

بزهکاران به سبب ارتکاب رفتار مجرمانه تنها شایسته حبس‌اند. نه اینکه علاوه بر سلب آزادی از دستیابی به دیگر حق‌ها نیز محروم شوند. در واقع، سزای این گروه از بزهکاران زندان است، اما این کیفر نباید از دسترسی زندانیان به دیگر مصادیق حق‌های بنیادین بشری مانع ایجاد کند. امروزه آموزش رکن اساسی پیشرفت قلمداد می‌شود و حق آموزش زندانیان نیز به عنوان یکی از حقوق شهروندی به منظور باز اجتماعی نمودن آنان می‌تواند بسیار مهم تلقی شود (بیگی و تیموری، ۱۴۰۱: ۶۹). در این زمینه پژوهش‌ها نشان می‌دهند، وجود کتابخانه در فضا و معماری زندان می‌تواند در بازپروری مددجویان نقش مهم و مثبتی را ایفا کند. البته این تأثیرگذاری زمانی است که در مجهز کردن کتابخانه به سلاقی تمام زندانیان توجه گردد (بنی‌اقبال و لگزبان، ۱۳۸۵: ۵۶-۵۷). رویکرد اداره زندان‌های ایران در این حوزه از بُعد کتاب و کتابدار بسیار ضعیف است، زیرا از یک سو کتابداران زندان تخصص این حوزه را ندارند و از سوی دیگر نزدیک به ۴۰۵ هزار کمبود کتاب بر مبنای استانداردهای ایفلا دیده می‌شود (همان: ۶۸).

توجه به ورزش در معماری نیز از آن حیث است که گزارش‌ها دلالت بر آن دارند که زندانیان از ماه‌های اول حبس بدتر شدن شرایط روانی را تجربه می‌کنند و دلیل آن از منظر آسیب‌شناسی مربوط به سبک زندگی زندان است (Federici & Testa, 2010). از این رو فعالیت بدنی می‌تواند بسیاری از مشکلات مرتبط با زمینه زندگی بی‌تحرك را کاهش دهد. همچنین چندین پژوهش نشان داده‌اند که تمرین ورزشی می‌تواند در برنامه‌های مربوط به اجتماعی کردن مجدد زندانیان کمک‌کننده باشد (Zanetti & Macri, 2020: 235). در عمل کشورها در معماری زندان به دلایل متعددی تمایل چندانی به گسترش فضای ورزشی نشان نمی‌دهند، زیرا برخی از وسایل ورزشی به طور بالقوه در محیط زندان می‌تواند خطرناک تلقی شود، همچنین محدودیت‌های فضایی به دلیل ازدحام جمعیت مانع دیگری در این خصوص است (Ibid: 236).

سیاستگذاران در معماری قزل‌قلعه به وجود فضای ورزشی توجه داشته‌اند. از این رو نویسنده به وجود زمین والیبال اشاره دارد: «از حیاط زندان، صدای والیبال می‌آید» (به‌آذین، همان: ۱۳). با وجود این دسترسی به این مکان‌ها برای همه زندانیان به شکل مساوی نبوده، زیرا زندانیان سلول‌های انفرادی محروم از آن بوده‌اند: «ورزش بالای سکو، روی تشک، برای پرهیز از گرد و خاک، نرمش و بعد پیاده‌روی درجا، تند و چابک به لاله می‌افتم» (همان: ۱۶). همچنین از بُعد توجه به فضای مطالعه و کتابخانه، در معماری قزل‌قلعه نویسنده اطلاعی نمی‌دهد. با این حال در سلول انفرادی امکان دسترسی به کتاب وجود نداشته است: «باورکردنی نیست. این همه روزها را چگونه توانسته‌ام بی‌کتاب بگذرانم؟» (همان: ۶۲).

به‌آذین زندان شهربانی را دارای کتابخانه معرفی و آن را این‌گونه توصیف می‌کند: «از در کتابخانه به درون می‌رویم. میزی و پشت آن یک صندلی. در اطراف چند قفسه که بیشترش خالی است. عنوان کتاب‌ها را نگاه می‌کنم» (همان: ۸۸). آنچه از گفتار بالا قابل برداشت است، فقدان تنوع و پایین بودن تعداد کتاب‌های موجود در این کتابخانه است که از جذب زندانیان به کتابخوانی جلوگیری می‌نماید. نویسنده در خصوص امکانات و فضای ورزشی در این زندان صحبتی نکرده است. به نظر می‌رسد به دلیل وسعت اندک این زندان، فضای چندانی برای این موضوع وجود نداشته که نویسنده به آن توجه کند.

زندان قصر از بُعد امکانات و فضای ورزشی، نسبت به دو زندان دیگر مجهزتر بوده است. این موضوع از این کلام نویسنده قابل احراز است: «درون محوطه به‌ترتیب یک زمین والیبال... و در باریکه انتهایی حیاط یک میز پینگ‌پونگ» (همان: ۹۸). یا «تنها یک چیز است که ساعت‌ها با لذت می‌کوبت می‌کند، شطرنج» (همان: ۱۸۹). آنچه فضای ورزشی زندان قصر به‌ویژه شماره ۳ و ۴ را متمایز می‌سازد، امکان دسترسی این زندانیان سیاسی به وسایل ورزش بدنسازی و ایجاد چنین فضایی است: «ورزشکاران زندان اکنون با هالتر و دمبل و می‌روند» (همان: ۱۱۷).

مسئولان زندان قصر به ایجاد فضایی به‌منظور کتابخانه نیز توجه داشته‌اند: «اتاقی نه‌چندان کوچک اما سخت تاریک. گردو خاکی مفصل. در همان راهرو بند می‌مانم. فهرست کتاب‌ها را می‌آورند دفتری خط‌کشی شده. نام و شماره کتاب‌ها در آن نوشته. ورق می‌زنم و نگاهی سرسری می‌اندازم در یکی دو صفحه نخست چیزی که دندان‌گیرم باشد، نمی‌بینم» (همان: ۱۸۶). به نظر با توجه به عبارت‌های «نه‌چندان کوچک» و «دفتری خط‌کشی‌شده»، «ورق می‌زنم» و «یکی دو صفحه نخست»، دلالت بر بهبود فضا و افزایش تعداد کتاب‌ها نسبت به زندان پیشین دارد. شاید دلیل این موضوع آن باشد، که زندان قصر، به‌ویژه شماره ۳ و ۴ مختص زندانیان سیاسی بوده و آنها بیشتر به کتاب توجه دارند: «در همان حال که بیشتر این شصت هفتاد زندانی شماره چهار، با قلم و کتاب سروکار دارند» (همان: ۱۸۶). با وجود این به‌نظر می‌رسد که امکانات مطالعه و فضای آموزشی کافی در خود کتابخانه و بیرون از آن نبوده و زندانیان خود مجبور به تهیه صندلی مطالعه مناسب بوده‌اند: «چنانکه می‌گوید: کار زندان است. یک اوستای نجار توی شماره چهار هست، اینها را او می‌سازد. با میز تاشو اش که هر وقت بخواهند روی دسته‌های صندلی می‌گذارند برای کتاب خواندن و چیز نوشتن» (همان: ۱۱۴).

۵.۳. توجه به تغذیه و سلامت

تضمین حق سلامت افرادی که به موجب قانون از آزادی محروم می‌شوند، از تعهدات اولیه دولت‌هاست. با وجود این در بسیاری از نظام‌های عدالت کیفری، کیفیت ارائه خدمات لازم برای تضمین این حق با استانداردهای قابل انتظار حقوق بشری فاصله دارد. امکانات محدود زندان‌ها چه از بُعد فضای مکانی و چه از بعد امکانات انسانی و دارویی، در کنار تقاضای روزافزون زندانیان برای ارائه خدمات پزشکی - بهداشتی، شیوع بیماری‌های خطرناک و گاه واگیردار در این محیط‌ها و نیز جدی نگرفتن بیماری‌ها؛ سهم قابل تأملی در وقوع مرگ‌ومیر در این مکان‌ها دارد (ایستون، ۱۳۹۴: ۱۰۹). همچنین پیامدهای روانی و رفتاری مضر مانند کناره‌گیری اجتماعی، افزایش پرخاشگری، اختلال خواب و استرس در زندان‌ها به فراوانی گزارش می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که تراکم اجتماعی کم در فضاهای زندگی زندان، مانند واحدهای تک‌سلولی یا دوسلولی، در مقایسه با خوابگاه‌های با فضای بیشتر، از بُعد شرایط بهداشتی، وضعیت بهتری دارند (Wener, Ibid: 7). توجه ضعیف به سیستم‌های مکانیکی مانند گرمایش، سرمایش و تهویه مناسب در معماری زندان در افزایش بیماری‌ها نقش‌آفرین هستند. در یک مطالعه انگلیسی، کارکنان دریافتند که دسترسی محدود به توالت‌ها، دوش‌ها و منابع آب آشامیدنی مناسب سبب تضعیف روحیه و افزایش بیماری‌ها شده است (St. John, Ibid: 6). بنابراین طراحی نامناسب همانند فقدان قفسه برای گذاشتن وسایل بهداشتی ممکن است سبب ایجاد حس اختلال عمومی بیشتر شود.

حفظ سلامت زندانیان به خدمات بهداشتی و درمانی محدود نیست، بلکه با الگوی تغذیه آنها نیز ارتباط تنگاتنگی دارد. در زمینه وضعیت تغذیه‌ای زندانیان در سراسر دنیا اطلاعات محدودی در دسترس است و گزارش وضعیت زندان‌ها اغلب حالت محرمانه دارد (صفریان و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶).

تأسیسات و معماری مرتبط با تغذیه زندان، از ابعاد گوناگون به‌ویژه محل قرارگیری و وضعیت داخلی آنها تحت نظارت دقیق نیستند و نتایج بازرسی‌هایی که انجام می‌گیرد، به‌ندرت با مردم به اشتراک گذاشته می‌شود. مصاحبه‌های صورت گرفته با برخی زندانیان، نشان می‌دهد برخی از این مکان‌ها حتی فاقد صابون و آب گرم بودند، سوسک‌هایی از مجرای فاضلاب بیرون می‌خزیدند و موش‌ها روی زمین می‌دویدند (Soble et al., 2020: 11). در حوزه زندان‌های داخلی نیز وجود برخی پژوهش‌ها، دلالت بر آن دارد که زندان‌ها از بُعد تغذیه با وجود بهبودهای رخ داده، همچنان وضع مناسبی ندارند (رضوی فرد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۵).

توجه به تغذیه و سلامت در معماری زندان‌های دوران پهلوی رویکرد ثابت و منسجمی نداشته است. آنچه پیش از همه با سلامت و تغذیه از بُعد معماری در ارتباط است، از یک سو وجود مکان‌های آشپزخانه، غذاخوری، بهداری، حمام و سرویس بهداشتی و از سوی دیگر محل استقرار آنها بوده است. معماری زندان قزل‌قلعه با وجود داشتن آشپزخانه، فاقد غذاخوری بود و از این‌رو زندانیان در سلول‌های خود که رویکرد بهداشتی نداشت، به تغذیه مبادرت می‌ورزیدند: «نان را می‌گیرم و نمی‌دانم کجا بگذارم. همه جا به یک اندازه کثیف است» (به‌آذین، همان: ۱۳). محل استقرار آشپزخانه نیز به نظر به دلیل مجاورت با حمام، محل مناسبی نبوده است، زیرا به دلیل رطوبت امکان تولید مثل حشرات موذی گسترش می‌یابد. شاید به همین دلیل است که آشپزخانه زندان تعطیل و غذا از بیرون تهیه می‌شود: «آشپزخانه که مدتی است، کار نمی‌کند» (همان: ۳۸). از بُعد معماری سرویس‌های بهداشتی و حمام نیز نویسنده، آنها را فاقد امکانات کافی و بهداشتی مناسب با وجود داشتن آب گرم معرفی می‌کند: «می‌روم در انتهای دهلیز. یک طرف آبریز است و طرف دیگر روشویی سیمانی با حلبی زباله‌دان نکبت گرفته» (همان: ۱۲). یا: «رختکن حمام قزل‌قلعه اتاقی سرا پا لخت و خاک گرفته که نیمی از آن را یک سکوی پهن سنتی اشغال کرده است. لباسم را درمی‌آورم. پی چیزی می‌گردم که رختم را آویزان کنم. در کنجی، یک میخ باریک زنگ‌خورده برمی‌دارم و در سوراخی که بر دیوار است...» (همان: ۵۲-۵۴). نویسنده در هیچ جایی از داستان صحبت از وجود بهداری و امکانات آن در قزل‌قلعه ندارد.

معماری زندان شهربانی به‌گونه‌ای است که رعایت بهداشت در آن بسیار کم‌رنگ شده است، زیرا محل استقرار سرویس بهداشتی با اسکان زندانی فاصله چندانی نداشته و شستشویی ظروف، لباس و صورت همگی در این محل بوده و تعداد کافی و جداگانه شیر برای آن در نظر گرفته نشده است: «به دستشویی می‌روم و برمی‌گردم، دلم به هم خورده است. شیرها، جز یکی همه شکسته است. پای همان یک شیر باید نوبت ایستاد برای شستن دست و رو، رخت شستن یا ظرف شستن. آلودگی همه‌جا است و عجیب آنکه تا پای پله‌های مستراح جل و پلاس زندانی پهن است» (همان: ۷۷). از بُعد تغذیه نیز، این زندان فاقد غذاخوری بوده و محل تغذیه درون خود سلول‌های زندانیان است: «سمانی یک ورق کاغذ روزنامه روی زیلو پهن می‌کند و سه چهار تا نان ماشینی زندان را با جیره پنیر صبحانه می‌آورد...» (همان: ۸۱). به‌آذین در خصوص بهداری نیز تنها اشاره به بودن آن در این زندان دارد که در آن رو به حیاط زندان باز می‌شده است (همان: ۸۸).

از بُعد فضای بهداشتی و رویکرد مقایسه‌ای می‌توان زندان قصر را بهتر از دو زندان دیگر دانست، زیرا محل استقرار سرویس بهداشتی بیرون از محل زندگی و در حیاط بوده است: «در محوطه یک دستشویی بزرگ سیمانی با شیرها و پاشویه‌ها و دوش آب سرد» (همان: ۹۸). اما آنچه این رویکرد را ضعیف می‌کند، آن است که محل استقرار آن در مجاورت با محل استقرار آشپزخانه مخصوص زندانیان است: «اینجا برای دو گروه اصلی زندانیان -دسته‌های اسلامی از یک سو و پیروان انواع گرایش‌های چپ از سوی دیگر- دو آشپزخانه جداگانه هست. با یک اتاقک باریک برای کسانی که

خود به تنهایی یا به شرکت یکی دو تن دیگر پخت‌وپز می‌کنند. این آشپزخانه‌ها با آبریز و دستشویی همگانی و دوش و ظرفشویی در نیمه جنوبی حیاط است» (همان: ۱۸۶). زندان قصر نیز همانند دو زندان دیگر، فاقد محل غذاخوری بوده، اما آنچه آسیب این موضوع را کمتر می‌کند، استفاده زندانیان از طبیعت به عنوان محل غذا خوردن است: «پس در انتهای حیاط آلاچیق بزرگی با سایبان شاخ و برگ تو درهم. سفرهای دراز و باریک به پهنای نیم متر، کم یا بیش و بر سفره بیست‌ودو سه تن که هنوز با هیچ کدامشان درست آشنا نشده‌ام» (همان: ۱۸۲). به‌آذین در خصوص حوزه سلامت نیز تنها به وجود بهداری و پزشک در زندان قصر اشاره دارد و توضیح چندانی از این نظر ارائه نمی‌کند (همان: ۱۶۶).

۵. ۴. توجه به فضای ملاقات

پژوهش‌های تجربی شایان توجهی در خصوص فضاهای ملاقات و تأثیرات آن وجود دارد. به‌طور کلی پذیرفته شده است که ملاقات تأثیر مثبتی بر اشخاص زندانی به‌دنبال دارد (Moran, 2013: 180). همچنین این پژوهش‌ها نتایج مهمی را که از طراحی آگاهانه فضاهای ملاقات حاصل می‌شود، شناسایی کرده‌اند. اگر اتاق‌های ملاقات به‌عمد برای تسهیل بازدیدهای مثبت طراحی شده باشند، ممکن است به کاهش میزان تکرار جرم کمک کنند (Ibid). مطالعه‌های کیفی نشان داده‌اند، بیشتر طراحی‌های محوطه انتظار بازدید، یک فضای کوچک فاقد گرمایش، صدلی، علائم و امکانات اولیه بوده‌اند. این موضوع پیام روشنی بر «غفلت تحقیرآمیز» نسبت به اشخاص اشغال‌کننده چنین فضایی را می‌رساند. از این‌رو برخی معماران، با تأکید بیشتر بر اهمیت طراحی مناسب در فضاهای ملاقات، یک برنامه «ملاقات دوستانه برای کودکان» را در یک زندان زنان در ایالات متحده بررسی کردند. آنها در پژوهش خود به طراحی‌های خشن و فضاهایی که کودکان خردسال بدون همراه باید از آن عبور کنند، پی بردند. فلزیاب‌های بزرگ، درهای فلزی با صدای بلند و راهروهای تیره و تاریک طولانی، به تجربه ثانویه زندان برای کودکان ملاقات‌کننده منجر می‌شود (Siegel & Napolitano, 2021: 339). طراحی فضاهای ملاقات ممکن است بر تجربه بازدید از زندان نیز تأثیر بگذارد. تحقیقات پیشین برخی از طرح‌های عملی را شناسایی کرده‌اند که می‌تواند از بازدیدهای مؤثرتر پشتیبانی کند. این طراحی‌ها به تغییرات ساده در اتاق‌های ملاقات همانند مبلمان راحت، مناطق بازی، رنگ‌های روشن، اتاق‌های ملاقات خصوصی و سرویس‌های بهداشتی تمیز اشاره دارند که می‌تواند به بهبود تجربه ملاقات کمک کند (Turanovic & Tasca, 2021).

به‌آذین، به عنوان نویسنده مشاهده‌گرا امکان ملاقات در زندان‌های قزل‌قلعه و شهربانی را نداشته است.^۱ از این‌رو تنها به فضای ملاقات و امکان آن برای زندانیان بندهای عمومی اشاره دارد. او ملاقات با خویشان را دارای تأثیرات مثبت روحی می‌داند: «این اما دردی است. خاصه در آن روزهای هفته که بند عمومی ملاقات دارد. از لای میله‌های روزن می‌بینمشان که سر و روی صفا داده‌اند» (به‌آذین، همان: ۵۴). البته می‌توان از عبارت دیگری از نویسنده، برداشت کرد که فضای ملاقات در زندان شهربانی با توجه به ازدحام و معماری بد زندان کوچک بوده و در نتیجه ملاقات را آشفته، شلوغ و بی‌قاعده کرده است: «در حیاط فلکه رفت‌وآمد آشفته‌واری در گرفته است. دم در هر بندی که به حیاط باز می‌شود، پاسبانی کلید به دست هر از چندی لنگه در را باز می‌کند و یکباره انبوه زندانیان بیرون می‌ریزند. در دوباره بسته می‌شود - به صد زور و زحمت، با فحش و فریاد. و در اتاق ملاقات آن پایین چه ازدحامی. همه‌مهمه گیج‌کننده‌اش تا بالا می‌رسد» (همان: ۸۱-۸۲).

۱. این موضوع از آن‌روست که سیاستگذاران جنایی دوران پهلوی در آیین‌نامه مصوب ۱۳۰۷ به متهم و محکوم حق ملاقات را اعطا نموده، اما در عمل ملاقات‌ها تنها در مورد محکومان قابل اجرا بود (خزائی، ۱۴۰۰: ۲۹۷). این در حالی است که بخش زیادی از دوران محکومیت به‌آذین در زندان قصر نیز با حالت متهم بودن ادامه داشته، اما نویسنده در این زندان امکان ملاقات را داشته است.

به‌آذین از آنجا که در زندان قصر امکان ملاقات داشته، اطلاعات بیشتر نسبت به معماری چنین فضایی ارائه می‌دهد: «با دیوارهای سفید خاک نشسته. دو ردیف میله کف اتاق را به سقف دوخته است و در فاصله آنها پاسبانی ایستاده...» (همان: ۱۱۲). به‌نظر می‌رسد با توجه به کلمه «خاک نشسته»، توجه چندانی به زیبایی‌شناختی فضای ملاقات وجود نداشته است. همچنین از یک سو با توجه به وجود دو ردیف میله‌های آهنی و از سوی دیگر وجود پاسبان میان میله‌ها، نشان‌دهنده فاصله‌دار بودن این دو ردیف از هم داشته که امکان ارتباط فیزیکی میان زندانی و خویشان را محدود و یا ناممکن می‌کرده است. نویسنده در کنار اشاره به فضای معماری اتاق ملاقات که آن را بزرگ معرفی می‌کند، تأکید ضمنی به فقدان امکانات قبل از ملاقات به‌منظور انتظار را نشان می‌دهد: «هشت ده دقیقه‌ای به وقت مانده است. در راهرو قدم می‌زنم... در انتهای راهرو و دو سه پله پایین‌تر اتاق ملاقات بزرگ» (همان: ۱۱۱).

۵.۵. توجه به طبیعت

وجود طبیعت در زندان که شامل درختان، گیاهان، گل‌ها، پرندگان و سایر حیات‌وحش است، می‌تواند به مقابله با محیط‌های رایج در مراکز اصلاحی کمک کند. تحقیقات گسترده نشان داده است که دیدن طبیعت در محیط‌های مراقبت بهداشتی می‌تواند تأثیر مثبت شایان توجهی بر رفاه بیمار بگذارد. وجود پنجره‌هایی با دید عناصر طبیعی، تأثیر ترمیمی قدرتمندی در تنظیمات سازمانی دارد و به محیط‌های «سلامت‌بخش» کمک می‌کند که حس حمایت روانی را تقویت کنند (Moran & Turner, 2019: 66). برخی پژوهشگران به سال ۲۰۱۷ و به مدت یک سال، ۴۸ زندانی در سلول‌های انفرادی را که تحت تماس غیرمستقیم با طبیعت، از طریق قرار گرفتن منظم در معرض ویدئوهای طبیعت بودند، بررسی کردند. شرکت‌کنندگانی که در معرض ویدئوهای طبیعت قرار گرفتند، ۲۶ درصد کمتر از اشخاصی که در معرض آن قرار نگرفتند، ارجاع‌های انضباطی داشتند (Engstrom *et al.*, Ibid: 494). در طرح‌های موسوم به «مجرم و طبیعت» نیز اغلب زندانیان به‌عنوان داوطلبان در فضایی خارج از محیط زندان، از طریق کار جمعی، در نگهداری، مراقبت و بهره‌وری بیشتر از محیط زیست نظیر جنگل‌ها و فضاهای سبز همت می‌گمارند. در دو دهه اخیر، بسیاری از زندان‌های آمریکا با نظر به این طرح‌ها، پروژه‌هایی را برای پیاده‌سازی تعریف کرده‌اند. از مشهورترین این پروژه‌ها می‌توان به «خانه سبز» در نیویورک و «باغ بینایی» در سانفرانسیسکو اشاره کرد (کاظمی جویباری، ۱۴۰۰: ۲۲۸). زندانی‌هایی که درصد بیشتری از فضای پوشش گیاهی دارند، صرف‌نظر از توانایی کاربران زندان برای مشاهده صرف یا دسترسی به آن، سطوح پایین‌تری از مرخصی استعلاجی کارکنان، خودآزاری در میان جمعیت زندانی، و خشونت نسبت به کارکنان و در میان زندانیان را گزارش دادند (Moran, 2021: 281). در نتیجه، توجه به طبیعت در فضای زندان تا جایی که امکان دارد، می‌تواند تأثیر مثبت بالا را در پی داشته باشد.

توجه به طبیعت در معماری زندان‌های پهلوی رویکرد واحدی ندارد، بلکه بر مبنای فضای در دسترس و نوع زندانیان محکوم‌شده، میزان توجه به این موضوع متغیر است. زندان قزل‌قلعه توجه زیادی به فضای سبز و رویکرد طبیعت‌محور ندارد. نویسنده این موضوع را این‌گونه شرح می‌دهد: «اکنون قسمتی از حیاط آجر فرش را می‌بینم، با گوشه‌ای از پاشویه حوض و شاخه‌های باریک و واژگونه یک بید مجنون» (به‌آذین، همان: ۱۳). یا در جای دیگر: «افسوس! خودم را در حاشیه باغچه به تماشای چند لکه شاد اطلسی و برگ‌های پهن یک بوته جوان آفتابگردان سرگرم می‌کنم» (همان: ۳۵). میزان توجه به طبیعت در معماری زندان شهربانی نسبت به زندان پیشین کمی بیشتر است. نویسنده این موضوع را این‌گونه شرح می‌دهد: «آن پایین حوضی و باغچه‌ای با یک درخت پرشاخ و برگ که

گمان می‌کنم، هلو باشد و دو ردیف بوته‌های گل مینای بنفش، زرد، سرخ و سفید... دوده نشسته‌اش. چه رنگ تیره‌ای دارند. بیچاره گل‌ها باز در قبرستان شادتر می‌نمایند» (همان: ۸۹). دلیل توجه کمتر زندان شهربانی با وجود تازه‌ساخت بودن آن نسبت به زندان قزل‌قلعه، فضای محدود و کوچک آن بوده است. اما همین توجه اندک نیز با توجه به کلیدواژه‌هایی همانند «دوده نشسته»، «رنگ تیره» و «در قبرستان شادتر می‌نمایند»، چندان مبتنی بر حفظ و نگهداری به‌منظور تأثیرات مثبت روحی بر زندانیان را نشان نمی‌دهد.

توجه به طبیعت در زندان قصر نسبت به دو زندان پیشین با توجه به فضای گسترده‌تر بیشتر بوده است: «ضلع دیگر، دیواری است سرتاسری که کاج‌های بلند باغ قصر از پس آن سر کشیده‌اند. گرداگرد حیاط حاشیه‌ای به پهنای یک متر و نیم شاید کمتر برای رفت‌وآمد و گردش. یک حوض گرد کم‌عمق، جابه‌جا چند درخت بزرگ و کوچک، بوته‌های مینای زرد و یکی دو گل سرخ تا بخواهی پیچک‌های نیلوفر» (همان: ۹۸). با این وجود، میزان توجه به طبیعت در شماره‌های گوناگون زندان قصر بر مبنای نوع زندانیان و توجه به آنها متفاوت است. نویسنده محیط زندان شماره ۴ قصر را که به شکل اختصاصی متعلق به زندانیان سیاسی بوده، نسبت به زندان شماره ۳ سبزتر معرفی می‌کند: «تنها یک دیوار ما را از شماره ۳ جدا می‌کند و با این همه اینجا اقلیمی دیگر و فصلی دیگر است» (همان: ۱۸۳).

۶. نتیجه

محمود اعتمادزاده، به‌آذین، از جمله نویسندگان حوزه ادبیات داستانی است که با توجه به سابقه زندانی شدن در سه زندان، قزل‌قلعه، شهربانی و قصر، در دوران پهلوی سعی داشته با نگاهی مشاهده‌گر و بی‌طرف، گزارشی از دوران محکومیت خود را در داستان مهمان/این آقایان به رشته تحریر در آورد. در ادبیات زندان دوران پهلوی هیچ نویسنده‌ای به اندازه به‌آذین به محیط زندان از نظرگاه معماری توجه ندارد. با نگاهی بر این داستان مشخص می‌شود، نگاه سیاستگذاران جنایی دوران پهلوی، چه در حوزه فضای شخصی و چه در حوزه فضای عمومی زندان‌ها در میان دیدگاه‌های نظری کیفرشناسی بیشتر مبتنی بر سلب توان بزهکاری بوده است. در معماری فضای شخصی، با توجه به ازدحام جمعیت زندان‌ها، عملاً فضا برای زندانیان تنگ بوده و از بُعد نورپردازی، حفظ حریم خصوصی، گرمایش، نفوذ صدا و... زندان‌ها ضعیف ساخته شده و توجه چندانی به این موارد نشده است. دلیل این موضوع از یک سو استفاده از مصالح سنتی در ساخت بوده که برای این موارد چندان مناسب نیست و از سوی دیگر مسدود کردن راه‌های تعبیه هوا و... بوده که زمینه‌ساز افزایش گرما، نبود هوای تازه و... است. این نوع سیاستگذاری در عمل افزایش بیمارهای روحی و جسمی به‌ویژه بیماری‌های تنفسی را به دنبال دارد. در حوزه فضاهای عمومی نیز تنها زندان قصر به نسبت دو زندان دیگر شرایط بازپروری نسبی را دارد و زندان‌های دیگر از این بُعد کاستی‌های فراوانی دارند، زیرا زندان قصر توجهی بهتر به مکان‌های کتابخانه، بهداری، محیط‌های ورزشی و... داشته است. چنین داستان‌هایی زمانی که در خصوص واقعیت و مشکلات موجود در جامعه سخن می‌گویند، دارای جنبه‌های گوناگون آموزش اخلاقی، اجتماعی و حقوقی از ابعاد مختلف به‌ویژه جرم‌شناسی و کیفرشناسی خواهند بود. نتیجه چنین موضوعی آن خواهد بود که ادبیات داستانی می‌تواند زمینه‌ساز اقناع سیاستگذاران در عرصه‌های مختلف به‌منظور اصلاح و بهبود شرایط ناگوار موجود در حوزه‌های گوناگون شود.

منابع

الف) فارسی

۱. آل احمد، جلال (۱۳۹۲). *از رنجی که می‌بریم*. چ پنجم، تهران: آدینه سبز.
۲. اعتمادزاده، محمود (۱۳۵۷). *مهمان این آقایان*. چ دوم، تهران: نیل.
۳. امین، سیدحسن (۱۳۸۶). *تاریخ حقوق ایران*. چ دوم. تهران: دایره‌المعارف ایران‌شناسی.
۴. ایستون، سوزان (۱۳۹۴). *اصول و رویه عملی حقوق زندانیان*. برگردان: فراز شهلائی، تهران: نگاه بینه.
۵. بنی‌اقبال، ناهید؛ لگزبان، فاطمه (۱۳۸۵). بررسی وضعیت کتابخانه‌های زندان در ایران براساس رهنمودهای ایفلا. *فصلنامه علوم و فناوری اطلاعات*، ۲۱(۳)، ۵۵-۷۲.
۶. بیگی، جمال؛ تیموری، مهرداد (۱۴۰۱). بهره‌مندی محکومان از حق آموزش؛ راهبرد پیشگیری از تکرار جرم. *فصلنامه دانشنامه‌های حقوقی*، ۵(۱۶)، ۶۷-۹۱.
۷. پرت، جان (۱۳۹۶). *مجازات و تمدن: تساهل و عدم تساهل کیفری در جامعه مدرن*. ترجمه هانیه هژبرالساداتی، تهران: میزان.
۸. خزائی، یعقوب (۱۳۹۷). تحلیلی بر ساختار زندان پیشامدرن و مدرن (نمونه پژوهشی: انبار تهران و زندان قصر). *فصلنامه پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان*، ۵۴(۲)، پیاپی ۳۸.
۹. خزائی، یعقوب (۱۴۰۰). اتاق ملاقات زندان و فراگرد کنترل تکنولوژیکی زندانیان (۱۳۳۲-۱۳۵۷). *جستارهای تاریخی*، ۱۱۲(۱)، ۲۹۳-۳۱۳.
۱۰. دانش‌ناری، حمیدرضا؛ عباسی مرویان، فوژان (۱۴۰۲). زیباشناسی جرم؛ تأملی بر واگرایی فلسفه هنر و فلسفه نظم و امنیت. *فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا*، ۸(۳) (پیاپی ۲۹).
۱۱. دیرباز، مرضیه (۱۴۰۰). «سیاست جنایی در رُمان میرا. *نشریه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۸(۲۱)، ۱۰۵-۱۴۰.
۱۲. ربیعی، ناصر؛ راهرو خواجه، احمد (۱۳۹۰). *تاریخ زندان در عصر قاجار و پهلوی*. تهران: ققنوس.
۱۳. رستمی، هادی؛ مولاییگی، علی (۱۳۹۷). رُمان سال‌های ابری در پرتو آموزه‌های جرم‌شناسی کودکان و نوجوانان. *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۵(۱۶)، ۹۱-۱۲۰.
۱۴. رستمی، هادی؛ میرزایی، فرهاد (۱۴۰۰). تحول در نظام کیفردهی در پرتو فرایند تمدن. *پژوهش حقوق کیفری*، ۹(۳۴)، ۹۹-۱۳۱.
۱۵. رایجیان اصلی، مهرداد؛ مولاییگی، علی (۱۴۰۰). تحلیل جرم‌شناختی - بزه‌دیده‌شناختی داستان آشغال‌دونی (اثر غلام‌حسین ساعدی). در *نهمین همایش ملی متن‌پژوهی ادبی*، تهران: پل.
۱۶. رضوی‌فرد، بهزاد؛ نظری، نجمه؛ مولاییگی، علی (۱۳۹۹). تحلیل محتوای رُمان همسایه‌ها در حوزه بزهکاری کودک. *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۷(۲۰)، ۱۴۹-۱۷۸.
۱۷. زندیه، حسن (۱۳۹۲). *تحول نظام قضایی در ایران در دوره پهلوی اول (عصر وزارت عدلیه علی‌اکبر داور)*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. صفریان، محمد؛ نعمتی، محسن؛ رجایی، نیلوفر؛ بابایی، علی؛ اسماعیلی، حبیب‌الله؛ عشقی، شهره؛ مزیدی، محسن (۱۳۹۳). بررسی نمایه تغذیه سالم در زندان مرکزی مشهد در سال ۱۳۸۷. *علوم غذایی و تغذیه*، ۴۲(۳)، ۲۵-۳۰.
۱۹. قائدی، محمدرضا؛ گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی. *نشریه روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، ۷(۲۳).
۲۰. کاظمی جویباری، مهدی (۱۴۰۰). طبیعت - درمانی؛ رویکردی نوین در نظام اصلاحی زندان. *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲۶(۹۵)، ۲۲۳-۲۳۹.
۲۱. مرادی‌نیا، محمدجواد (۱۳۹۸). *حکایت قصر از قاجار تا پهلوی*. تهران: نگاه.
۲۲. میرعابدینی، حسن (۱۴۰۰). *صد سال داستان‌نویسی ایران*. جلد نخست، چ هفتم، تهران: چشمه.
۲۳. یوزگ آلبرشت، هانس (۱۳۹۵). *از دحام در زندان‌ها*. برگردان: حسین غلامی، تهران: میزان.

ب) انگلیسی

24. Beijersbergen, K. A., Dirkzwager, A. J. E., van der Laan, P. H., & Nieuwbeerta, P. (2016). A social building? Prison architecture and staff-prisoner relationships. *Crime & Delinquency*, 62 (7), 843–874.
25. Engstrom, Kelsey V. and Van Ginneken, Esther F. J. C. (2022). Ethical Prison Architecture: A Systematic Literature Review of Prison Design Features Related to Wellbeing, *Space and Culture*, 25 (3), 479- 503.
26. Federici, A., Testa, D. (2010). L'attività motoria delle carceri italiane. Il ruolo dell'educatore fisico, la sindrome ipocinetica e l'esperienza di Fossombrone. Roma: Armando Editore.
27. Figueiro, M. G., Brons, J. A., Plitnick, B., Donlan, B., Leslie, R. P., & Rea, M. S. (2011). Measuring circadian light and its impact on adolescents. *Lighting Research & Technology*, 43 (2), 201–215.
28. Fransson, E., and others (2018). PRISON ARCHITECTURE AND HUMANS, Published in: Cappelen Damm Forskning.
29. Goodman, P., Page, J., & Phelps, M. (2017). Breaking the Pendulum: The Long Struggle Over Criminal Justice. New York: Oxford University Press.
30. Hancock, P., & Jewkes, Y. (2011). Architectures of incarceration: The spatial pains of imprisonment. *Punishment & Society*, 13(5), 611–629.
31. Frontczak, M., & Wargocki, P. (2011). Literature survey on how different factors influence human comfort in indoor environments. *Building and Environment*, 46 (4), 922–937.
32. Jewkes, Y., & Moran, D. (2017). Prison architecture and design perspectives from criminology and carceral geography. In A. Liebling, L. McAra & S. Maruna (Eds.), *Oxford handbook of criminology* (pp.541–561). Oxford University Press.
33. Karthaus, R., Bernheimer, L., O'Brien, R., & Barnes, R. (2017). *Wellbeing in prison design: A design guide*. <http://www.matterarchitecture.uk/research>
34. Moran, D. (2013). Carceral geography and the spatialities of prison visiting: Visitation, recidivism, and hyperincarceration. *Environment and Planning D*, 31 (1), 174–190.
35. Moran, D., Jewkes, Y., & Lorne, C. (2019). Designing for imprisonment: Architectural ethics and prison design. *Architecture Philosophy*, 4 (1), 67–81.
36. Moran, D., & Turner, J. (2019). Turning over a new leaf: The health-enabling capacities of nature contact in prison. *Social Science & Medicine*, 231, 62–69.
37. Moran, D., Jones, P. I., Jordaan, J. A., & Porter, A. E. (2021). Nature contact in the Carceral workplace: Greenspace and staff sickness absence in prisons in England and Wales. *Environment and Behavior*, 54 (2), 276–299.
38. Rubin, A., & Deflem, M. (2019). History of the prison, In: *The Handbook of Social Control*. Hoboken, NJ: Wiley-Blackwell.
39. Ryan, C., Sabourin, H., & Ali, A. (2020). Applying an Indigenous and gender-based lens to the exploration of public health and human rights implications of COVID-19 in Canadian correctional facilities. *Canadian Journal of Public Health*, 111(6), 971–974.
40. Siegel, J. A., & Napolitano, L. (2021). Adult and child visiting at urban jails: Perspectives on visitation experiences and policies among visitors and people in jail. *The Prison Journal*, 101(3), 331–351.
41. Soble, Leslie and others (2020) Ending the Hidden Punishment of Food in Prison, Produced by Impact/ Justice.
42. St. John, V. J. (2020). Placial justice: Restoring rehabilitation and correctional legitimacy through architectural design. *SAGE Open*, 10(2), 1-9.
43. Toews, B. (2016). This backyard is my serenity place: Learning from incarcerated women about the architecture and design of restorative justice. *Restorative Justice*, 4 (2), 214–236.

44. Turanovic, J. J., & Tasca, M. (2021). Conditions of contact: Reexamining the relationship between prison visitation and recidivism. *Justice Quarterly*. Advance online publication.
45. Wener, R. E. (2012). *The environmental psychology of prisons and jails: Creating humane spaces in secure settings*. Cambridge University Press.
46. Williams, J. (2012). Social care and older prisoners. *Journal of Social Work*, 13 (5), 471–491.
47. Zanetti, M., & Macri, F. (2020), Prison and physical activities in Italy: practices and utilities for the creation of new proposals, *Journal of Physical Education and Sport ® (JPES)*, 20 (1), Art 31, 235- 241.
48. Zim, R. (2014). *The Consolation of Writing: Literary Strategies of Resistance from Boethius to Primo Levi*, Princeton University.

